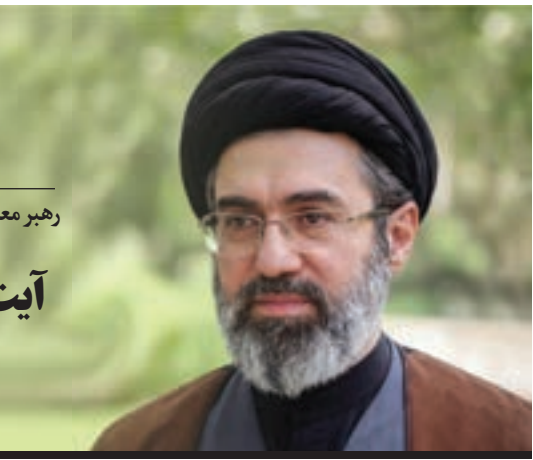




زندگی

رهبر معظم انقلاب اسلامی با صدور پیامی درگذشت آیت‌ا... شیرازی را تسلیت گفتند

آیت‌ا... شیرازی، فقیهی محقق ژرف‌نگر و دقیق

حسین ابراهیمی | حوزه علمیه قم فقط کانون تدریس فقه و اصول نیست؛ خانه‌ای است با دیوارهای متبرک به نفس تعداد بی‌شماری از فقه‌های نامی و علمای عارف. در این میان، برخی استادان نه فقط راوی فقه که تجسم عینی هویت حوزوی‌اند. حضرت آیت‌الله‌العظمی سید موسی شیرازی زنجانی^(ره) از آن دسته فقیهانی بود که فقه را نه در کاغذها، که در «مذاق امام» و «سیره بزرگان» جست و جو می‌کردند. حضور در درس این استاد، بیش از آنکه آموزش قواعد اصولی باشد، کلاس «شخصیت‌سازی» بود. او که حافظه تاریخی حوزه محسوب می‌شد، نام هر فقیه‌ی را که می‌آورد، گویی با او زندگی کرده بود؛ از صبر و استقامتشان می‌گفت و طلاب را با ریشه‌های اصیل خود پیوند می‌زد. این نوشتار، برشی کوتاه از سلوک علمی و زندگی این فقیه بزرگ در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمد محمدی فرید، از شاگردان اوست.

به احترام بانو



وقتی به دنیا آمد، به احترام بانو، حضرت فاطمه معصومه^(س)، دختر حضرت امام موسی‌کاظم^(ع)، نام ایشان را موسی گذاشتند. روزی از استاد پرسیدم آیا از کودکی خودتان چیزی به یاد دارید؟ پاسخ داد: «یادم می‌آید دوسه ساله بودم که روی سرم دستمال خسی می‌گذاشتند. بعدا برابم تعریف کردند که مرا عقرب، نیش زده بود. تب کرده بودم و مرتب روی سرم، دستمال خسی می‌گذاشتند. بعد از آن حادثه، پدرم از مرحوم نخودکی می‌خواهند که برایشان حرزی بنویسد. بعد از این، مرحوم نخودکی برای اهل منزل، حرزی را نوشتند که دیگر کسی را در این خانه عقرب نزد.»

تحصیلات

استاد شیرازی زنجانی در دوازده سالگی دروس حوزه را شروع کرد و در شانزده سالگی، دروس سطح را تمام کرد و به درس خارج رسید و حدود ۸۲سال به تحصیل و تدریس درس خارج پرداخت. امام شهید انقلاب، آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، در بیانیه‌ای که به مناسبت یکصدمین سال بازتأسیس حوزه نگاشتند، یکی از نکات تأمل برانگیز حوزه را طولانی بودن دوره متن‌خوانی طلاب می‌دانستند.

دوستان

آیت‌الله شیرازی زنجانی با امام موسی صدر و شهید بهشتی هم بحث بود. با امام موسی صدر خیلی مانوس بود و ذوق و سلیقه فقهی او را می‌پسندید و هجرت وی به لبنان را برای خودش، خسارت می‌دانست. همچنین در مورد شهید مطهری، کلامی به این مضمون داشت: «کسی را به قوت فکری ایشان ندیدم.»

تریت طلاب

می‌گفت در ایام طلبگی ما هوای قم آن قدر گرم بود که وقتی سرم را روی بالش می‌گذاشتم، از گرمای بالش خوابم نمی‌برد. آن زمان وسایل برودتی مانند کولر نبود و قم، فضای سبز بسیار کمی داشت. آب‌قم مثل مثل خاکشیر املاح داشت؛ و ما از چنین آبی استفاده می‌کردیم. ایشان خاطرات شیرین بسیاری از فقاها و علما و آبا و اجداد داشت و همواره در مناسبت‌های مختلف، برای طلاب بیان می‌کرد که نقش مهمی در تهذیب و تربیت آن‌ها داشت.

تفریح سالم

می‌گفت، «انسان به تفریح نیاز دارد و یکی از تفریحات سالم، مطالعه شرح حال علماست. زندگی بزرگان را مطالعه کنید، ببینید آنان چه کردند که به این مقامات رسیدند. مطالعه شرح حال علما، در هدایت و تربیت انسان، بسیار تأثیر دارد.»

حلقه واسط حوزه کهن و طلاب امروز

آیت‌الله‌العظمی شیرازی زنجانی^(ره) حلقه واسط حوزه کهن شیعه وانتقال فرهنگ آن به طلاب امروز بود. ایشان در قالب روایت، «دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و خصوصیات اخلاقی» فقه‌ای هزارساله گذشته را به نسل امروز منتقل می‌کرد.

احساس شخصیت و افتخار

کتاب قضایای حقیقیه، خراجیه و ذهنیه» را که نوشتیم، آن را به مرحوم میرزاهمدی شهید مشهدی تقدیم کردم. وقتی حضرت آیت‌الله شیرازی این موضوع را فهمید، خاطراتی را از میرزاهمدی نقل کرد. من پیش از این، آن‌ها را نشنیده بودم و واقعا به وجد آمدم و از این انتخاب، خوشحال تر شدم. ایشان نمی‌گفت ما یک حوزه اصیل داریم، بلکه این اصالت را با ذکر شواهد کافی، نشان می‌داد. دائم تکرار نمی‌کرد که ما حوزه‌ای داریم که بیش از هزار سال قدمت دارد، و او این قدمت را روایت می‌کرد. آن‌هم با جزئیات‌ش.

همه ما نام مرحوم آخوند خراسانی و میرزای شیرازی را شنیده‌ایم، اما وقتی این نام‌ها پیش استاد شیرازی برده می‌شد، ایشان از سخاوت مرحوم آخوند می‌گفت. از توجه مرحوم آخوند به طلاب جوان می‌گفت. از بخشش آخوند می‌گفت. از رابطه صمیمانه او با میرزای شیرازی می‌گفت، از عنایت میرزای شیرازی به مرحوم آخوند می‌گفت. از علی‌بن بابویه قمی تا مرحوم آقای بروجرذی، فقاها را طبقه به طبقه چنان می‌شناخت که گویا با آن‌ها زندگی کرده بود، واقعا هم زندگی کرده بود، فقه، همه زندگی او بود.

نام هر فقهی را که می‌آوردید، خاطره‌ای یا نکته‌ای از او داشت. تلاش‌های علمی آن‌ها را روایت می‌کرد، مشکلات زمانه آن‌ها را روایت می‌کرد، صبر، استقامت و مجاهدت آن‌ها را روایت می‌کرد. طلبه پای درس ایشان با هویت خودش آشنا می‌شد. طلبه فقط فقه نمی‌آموخت، شناسنامه می‌گرفت! ایشان شهری نمی‌گرفت اما واقعا به شاگردانش شخصیت می‌داد. این ارزشمندترین چیزی بود که استاد به شاگردان خودش

رهبر معظم انقلاب از تحال حضرت آیت‌الله‌العظمی شیرازی رضوان‌الله تعالی علیه، فقیه عالی مقام و از محققین تراز اول شیعه را تسلیت گفتند.

متن پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای به این شرح است:

خبر تأسف‌بار از تحال استاد معظم، فقیه‌عالی مقام حضرت آیت‌الله‌العظمی شیرازی^(رحمه‌الله) واصل شد. این عالم بزرگوار همه عمر شریف خود به جز چند سال اول طفولیت را در مسیر تعلم و تعلیم و تحقیق گذراندند و همواره از سوی هم‌ترازان سنی و دوره‌ای و اساتید به عنوان شخصی محقق و ژرف‌نگر قلمداد می‌شدند. تسلط ایشان بر فنون مختلف مربوط

به استنباط احکام شرعی با ظرایف و لحاظ دقایق همراه بود. مجالس درس آن بزرگوار حتی وقتی‌که عدد حضار آن از چند نفر تجاوز نمی‌کرد، به عنوان مجالس تتبع و تدقیق شناخته می‌شد و بحق چنین بود.

بحمدالله در حدود کمی بیش از سه دهه اخیر، عده زیادی این توفیق را یافتند تا از وجود مغتنم ایشان در حد ظرفیت خود بهره ببرند و برای محافل علمی و تدریس خود توشه بردارند. محضر ایشان، محضر إفاده و استفاده بود حتی آن وقتی‌که قدم زنان بعد از درس به سوی بیت شریف می‌رفتند. غیر از وجهه مسلم علم، رفتار متواضعانه و پدرا نه ایشان با

روایتی از نزدیک به یک قرن مجاهدت علمی مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیدموسی شیرازی زنجانی در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمد محمدی فرید از شاگردان ایشان

تکیه‌گاهی برای میراث هزار ساله



ایشان بعد از قریب به یک قرن مجاهدت علمی و تهذیب و تربیت طلاب، ندای حق را لبیک گفت و به لقاءالله رسید. آیت‌الله، تجسم یک طلبه، یک استاد و تجسم یک انسان بی‌هوا و هوس و متقی بود. امیدواریم نسل جدید طلاب و دانشجویان جوان، راه ایشان را با توکل به خداوند متعال و توسل به ائمه اطهار^(ع) با قوت و قدرت ادامه دهند.

هدهیه می‌دهد و این یکی از هنرهای بزرگ این بزرگ‌مرد بود. به همین خاطر، طلایی که با مباحث ایشان انس داشتند، از طلبه بودن خود احساس افتخار می‌کردند. می‌فهمیدند که ریشه آن‌ها به کجای می‌رسد. این احساس شخصیت و احساس اصالت، برای زیست یک طلبه، خیلی مهم است؛ برای زیست یک جامعه خیلی مهم است.

روحیه نقاد

فقیه بزرگ شیعه، منقولات را بدون دلیل نمی‌پذیرفت، حتی اگر بین متأخرین مشهور بود. برخلاف برخی‌ها که به دنبال این هستند که برای مشهورات متأخرین، دلیل تراشی کنند.

یک روز به حاج آقاگفتم: «حاجی سبزواری، فلان مبلغ به فقرابخشیده است.» ایشان گفتند: «این مطلب نمی‌تواند درست باشد، چون کل بود چه کشور در آن زمان حدود فلان قدر بوده است.» شخصیتی به معنای واقعی کلمه محقق و متنبع که روح پژوهش و تحقیق را در نسلی از طلاب، زنده کرد.

کاوش جامع در منابع

فضایی که درس استاد شیرازی را تنظیم می‌کردند، با آنکه از نرم افزارهای فقهی استفاده می‌کردند، بازم از میزان تتبع ایشان شگفت‌زده بودند. سلوک علمی استاد، سرمایه‌ای ارزشمند نه فقط برای حوزه‌ها بلکه برای همه نهاد‌های علمی تحقیقاتی و آموزشی و همه استادان و دانشجویان است. معرفی ایشان به نسل جوان، یکی از وظایف مهم ماست.

توجه به منابع اصلی

معظم‌له بارها به این توصیه مرحوم «کاشف اللّثام» اشاره کرد که نباید در نقل دیدگاه‌ها و مطالب، به «منقولات» اکتفا کرد، بلکه باید به‌طور مستقیم به منابع اصلی، مراجعه و از آن‌ها اخذ کرد؛ زیرا ما به موارد بسیاری برخورد کرده‌ایم که مطالب، به‌شکل صحیح نقل نشده و تسامح و بی‌دقتی در این‌گونه مسائل، فراوان است.

طلاب و فضلا هم امری مشهود و درس‌آموز بود. بی‌شک فقدان این شخصیت ممتاز، خللی در ردیف محققین تراز اول شیعه در عصر حاضر ایجاد نموده است که شاید جبران آن مدت‌ها به‌طول انجامد. بنده این مصیبت را به سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف و حوزات علمیه و بالخصوص شاگردان و علاقه‌مندان و بالاخص بیت شریف عالم و فاضل پرور ایشان تسلیت عرض نموده و از محضر حضرت حق جل‌وعلا، علو درجات برای آن بزرگوار مسئلت دارم. سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای ۳۱/ شهریور/ ۱۴۰۵

ایشان یک شخصیت سبک‌بال بود. بی‌تکلف بود و روی زمین می‌نشست تا اینکه دکتر، معنش کرد. او برای همه کسانی که وارد می‌شدند، بدون استثنا برمی‌خاست. بیشتر مسیرها را پیاده می‌رفت و همواره یک یا دو طلبه، ایشان را همراهی می‌کردند. در مسیر غالباً گفت‌وگوهای علمی انجام می‌شد، حتی پیاده‌روی آیت‌الله، کلاس درس بود. مجموعه‌ای از این گفت‌وگوها به چاپ رسیده است.

آموزش به نوجوانان

روزی پیاده می‌رفتیم. در محله «یخچال قاضی» چند نوجوان که گویا فوتبال بازی می‌کردند، به سمت ما آمدند. گفتند حاج‌آقا! نماز آیات را چگونه بخوانیم؟ حاج‌آقا همان جا کنار خیابان ایستاد و با آرامش، مثل یک معلم خوب و مهربان، نماز آیات را به دوروش به آن‌ها یاد داد.

بخشندگی علمی

دارالحدیث می‌خواست رساله ابوبصیر را چاپ کند. به دوستانی که مسئولیت این کار را برعهده داشتند، گفتم حاج آقا حاشیه‌ای بر این رساله ارزشمند دارند، اگر از آن استفاده شود، کار ارزش بیشتری پیدا می‌کند. وقتی به حاج آقا مراجعه کردیم، ایشان به‌آسانی کتاب محشی خودشان را به ما دادند و بحمدالله این کتاب با حاشیه‌های ایشان چاپ شد. استاد به راحتی و بدون هیچ توقعی، محصول سال‌ها تلاش خود را در اختیار محققان و مجموعه‌های پژوهشی قرار می‌داد و به علم و تولید علم به‌عنوان یک کالای نگاه نمی‌کرد.

زاهد به معنای واقعی

پدر استاد شیرازی زنجانی از مجتهدان و مراجع تقلید و از دوستان صمیمی حضرت امام^(ره) بود، آقا‌زاده بود. منزل پدری شان، کانون رفت و آمد مراجع بود اما این امور و حتی مرجعیت، تغییری در شخصیت ایشان به وجود نیاورد و همان آقای شیرازی بود که بود. آیت‌الله، قدمی برای به‌دست آوردن مرجعیت برنداشت، مرجعیت را از باب وظیفه شرعی پذیرفت. هوای این چیزها در دلش نبود، زاهد به معنای واقعی بود.

متمركز در فقه

استاد شیرازی زنجانی ممحض در فقه بود. ایشان از حضرت امام خمینی، تقاضای تدریس علوم عقلی کرده بود. حضرت امام فرموده بودند: «لازم است کسانی در حوزه، ممحض در فقه باشند.» امامت‌آصفانه امروز فضای مجازی، ذهن طلاب و دانشجویان را خیلی پراکنده کرده است.

حذف القاب در گفت‌وگوهای علمی

در مباحث علمی، عناوین و القاب را حذف می‌کرد و همه را آقا خطاب می‌کرد. در درس ایشان عظمت شخصیت‌های علمی، مانع نقد نمی‌شد. اهل نقدهای دقیق بود و شاگردانی نقاد و متفکر پرورش می‌داد.

خود را وقف دین کرده بود

نماز صبح و مغرب را در حرم حضرت معصومه^(س) اقامه می‌کرد و نماز ظهر را در مدرسه فیضیه، علاوه بر تدریس و مباحثه تفسیر قرآن کریم، هر روز قبل از نماز مغرب در دفتر با طلاب، جلسه آزاد می‌گذاشت، حتی روزهای تعطیل و روزهای جمعه، قبل از نماز مغرب با طلاب جلسه داشت. این برنامه ثابت ایشان بود. تمام زندگی آیت‌الله وقف تحقیق، پژوهش، تدریس و پرورش طلاب شد. ایشان، دل بسته حوزه بود، دل بسته این میراث کهن و ارزشمند بود، دل بسته این مدرسه اخلاص بود و تا آخرین لحظات عمر با این دل بستگی زیست.

شاگردپروری

درس استاد بسیار قابل استفاده بود و به همین خاطر، جمع قابل توجهی از فضلاء جوان امروز، مجلس درس ایشان را انتخاب کردند و در مسیر ایشان به اجتهاد رسیدند. رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، نمونه‌ای از شاگردان مکتب فقهی ایشان هستند. امام شهید ایران از اینکه فرزندانشان به مجلس درس آیت‌الله‌العظمی شیرازی زنجانی می‌رفتند، اظهار رضایت و خوشحالی کرده بودند.

توصیه به تبلیغ و طلب حلالیت

در آخرین جلسه قبل از تعطیلی دروس، به مناسبت ماه محرم با ذکر داستانی، طلاب را به امر تبلیغ سفارش می‌کرد و درضمن از طلاب حلالیت می‌خواست و از آن‌ها التماس دعا داشت. قبل از تعطیلی دروس، می‌فرمود اگر حقی از شما ضایع شده است، بنده را حلال کنید.

علم اصول

نگاه ایشان به علم اصول از جنس نگاه آیت‌الله بروجرذی بود. به تعبیر شهید مطهری، «آیت‌الله بروجرذی با همه تبحری که در اصول فقه داشت، کمتر مسائل فقهی را بر مسائل شکی اصولی مبتنی می‌کرد و هرگز کرد مسائل فرضی نمی‌رفت. ایشان در عین دقت‌های اصولی، به مقدار مورد نیاز بحث می‌کرد.

امام شهید انقلاب در این زمینه می‌فرمودند: «اینکه متوسط [دوره] اصول در حوزه پانزده سال است، خیلی برای من تعجب‌آور است و این هیچ خبر خوبی نیست.» شهید مطهری در این زمینه می‌گوید: «افراط در مباحثه و شیوع علم اصول در عین اینکه یک نوع قدرت و هوشیاری در اندیشه طلاب ایجاد می‌کند، یک نقص دارد و آن، این است که طرز تفکر طلاب را از واقع‌بینی در مسائل اجتماعی دور می‌کند و به واسطه اینکه حتی منطق تعقلی ارسطویی نیز به قدر کافی تحصیل و تدریس نمی‌شود، روش فکری طلاب، بیشتر جنبه جدلی و بحثی دارد و این بزرگ‌ترین عاملی است که سبب می‌شود طلاب در مسائل اجتماعی، واقع‌بینی نداشته باشند.»

فهم مذاق امام معصوم^(ع)

استاد شیرازی، فقه را فهم مذاق امام معصوم^(ع) می‌دانست و همین مطلب را از قول مرحوم آقا سید ابوالحسن^(ع) می‌گفت. این معیار بسیار مهمی در استنباط است. شهید مطهری^(ره) هم اجتهاد را فهم روح دین می‌دانست.

اقامه عزای حضرت سیدالشهدا^(ع)

آیت‌الله‌العظمی شیرازی زنجانی به اقامه عزای حضرت سیدالشهدا^(ع) توجه ویژه داشت. در طول سال، روزهای پنجشنبه در دفتر خودش روضه برگزار می‌کرد و شب‌های پنجشنبه برای روضه منزل مرحوم آیت‌الله سیدمهدی روحانی می‌رفت. قدمت روضه در این خانه، به بیش از صد سال می‌رسید.



حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدی فرید:

حدود دوازده سالی بود که به مجلس درس ایشان می‌رفتم؛ درسی که به‌تتبع، دقت و نگاه تاریخی معروف بود، درسی که شاخص‌های مکتب فقهی قم را داشت. مدتی بود که برای رفتن به درس، مردد شده بودم. یک روز تقالّی به حافظ رزم و این شعر آمد:

پُردِ از من قِرار و طاقت و هوش

بِت سنگین دل سیمین بئاگوش

نگاری چابکی شنگی گله‌دار

ظریفی مَه‌وشی «تُرکی قباپوش»

بیت آخر توصیه حافظ بود،

دوای تو، دوای توست حافظ

لب نوشش، لب نوشش، لب نوش